

شاهزاده خسیس پهلوی

۳۱ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۳:۱۷

غلامرضا پهلوی، دومین فرزند پسر رضاخان میرپنج است. او در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۲ در تهران به دنیا آمد. مادرش توران (قمرالملوک) امیر سلیمانی دختر امیر عیسی مجدالسلطنه، همسر سوم رضاشاه بود. توران دخترخاله وثوق‌الدوله، عامل قرارداد ۱۹۱۹ م بود که ایران را به مستعمره انگلیس تبدیل می‌کرد، اما این قرارداد به مرحله اجرا درنیامد.

غلامرضا دوره دبستان و دبیرستان نظام را در تهران گذراند و به مدت دو سال در دبیرستانی واقع در سوییس درس خواند. سپس به ایران بازگشت. در ۱۳۲۰ ش که رضاشاه به خواست انگلیسیها از سلطنت کنار رفت و از ایران خارج شد، او نیز همراه پدر و چند تن از برادران و خواهرانش به جزیره موریس در افریقای جنوبی رفت و تا مرگ پدر در آنجا ماند. سپس راهی قاهره شد و از آنجا به آمریکا رفت و در دانشگاه پرینستون به تحصیل پرداخت. او دوره‌های تکمیلی زرهی و تانک را نیز در دانشکده فورت ناکس آمریکا گذراند و در بازگشت به ایران، وارد دانشکده افسری شد و با درجه افسری در رشته سوار فارغ‌التحصیل گردید. در همین زمان از سوی محمدرضا پهلوی به عنوان بازرس ویژه ارتش منصوب شد. در ۱۳۲۸ ش برای گذراندن دوره‌های تکمیلی نظامی راهی فرانسه شد و در دانشکده افسری پاریس به تحصیل پرداخت.

غلامرضا در امور سیاسی دخالت چندانی نداشت و بیشتر در پی زندگی اشرافی خود بود. با این حال در سال ۱۳۲۷ ش زمانی که محمدرضا شاه برای مدتی راهی انگلستان شده بود، غلامرضا را به همراه دو تن دیگر از برادرانش یعنی علیرضا و عبدالرضا و نیز نخست‌وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و پنج نفر از افراد سرشناس و مورد اعتماد به عنوان اعضای شورای سلطنتی برای اداره امور کشور در غیاب خود، تعیین کرد.

علیرضا، برادر تنی محمدرضا شاه در ۱۲ آبان ۱۳۳۳ بر اثر سانحه هوایی در ارتفاعات گرگان، جان خود را از دست داد. از او به عنوان ولیعهد ایران یاد می‌شود. پس از این حادثه، شایعه ولیعهدی غلامرضا مدتی بر سر زبانها افتاد اما با تولد رضا پهلوی فرزند محمدرضا شاه در سال ۱۳۳۹، موضوع ولیعهدی غلامرضا نیز برای همیشه به فراموشی سپرده شد.

در جریان درگیریهای روز سی‌ام تیر ۱۳۳۱ که مردم در مخالفت با دولت قوام‌السلطنه به خیابانها ریخته بودند و به نفع حکومت دکتر مصدق تظاهرات می‌کردند، گفته شده است که گروهی از نظامیان به فرماندهی غلامرضا در میدان بهارستان به سوی مردم شلیک کرده‌اند. ورود او به صحنه برای دفاع از حکومت قوام، بی‌دلیل نبود. احمد قوام، برادر وثوق‌الدوله و پسرخاله مادر غلامرضا

غلامرضا با استفاده از موقعیت خانوادگی و شغلی که در حکومت برادرش به دست آورده بود، توانست شرکتها و مؤسسات و زمینهای کشاورزی زیادی را به تملک خود و خانواده‌اش درآورد. از جمله آنها شرکت سهامی کشاورزی پارس‌شهر، شرکت کشت و صنعت گمیشان و واحد زراعی مینودشت بود. او همچنین در تهران با استفاده از همین موقعیت، زمینهای مرغوب را تصاحب می‌کرد و به ساختمان‌سازی می‌پرداخت. او از این رهگذر سود هنگفتی به جیب زد.

غلامرضا با آنکه در دوره شاهنشاهی برادرش ستمهای گوناگونی از جمله ریاست بازرسی ویژه سرای نظامی شاهنشاهی، آجودانی ویژه شاه، ریاست کمیته ملی المپیک ایران، ریاست انجمن ورزش ارتش، و ریاست ورزش نیروهای مسلح شاهنشاهی را بر عهده داشت، و چندین نشان پهلوی، درجه یک ارتش، قیام ۲۸ مرداد، تاج‌گذاری، زرین زره‌پوش را نیز دریافت کرده بود، با این حال در اسناد سفارت امریکا در تهران از او به عنوان فردی غیر جاه‌طلب، فاقد شخصیت و روشنفکری یاد شده است.

غلامرضا نیز همچون دیگر اعضای خاندان سلطنتی، قبل از پیروزی انقلاب به همراه زن و فرزندانش از ایران فرار کرد و در انگلستان ساکن شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اردیبهشت ۱۳۵۸ از سوی دادگاه انقلاب اسلامی تهران، غیاباً به مرگ محکوم شد و اموال و داراییهایش به نفع بنیاد مستضعفان مصادره گردید.

غلامرضا در میان خاندان پهلوی، علی‌رغم داراییهای فراوانش، به خست مشهور بود. تا آنجا که در مراسم نخستین سال‌مرگ برادرش محمدرضا، که در قاهره برگزار شده بود، به بهانه بی‌پولی شرکت نکرد. احمدعلی مسعود انصاری از بستگان نزدیک فرح دیبا - همسر محمد رضاشاه - در کتاب «پس از سقوط» می‌نویسد: «... اعضای خانواده و دوستان شاه یکایک از نقاط مختلف جهان به قاهره می‌آمدند. جالب اینکه همان زمان غلامرضا پهلوی از لندن پیغام داد که چون پول تهیه بلیط و مخارج سفر را ندارد، نمی‌تواند در شب سال‌مرگ برادرش شرکت کند که البته همه می‌دانستند این یک بهانه بود و نشان دیگری از خست او که مشهور خاص و عام بود، و آلا با زندگی مرفه و پولهای فراوانی که او داشت، این هزینه‌ها به حساب نمی‌آمد. به همین سبب هم بر خلاف انتظار وی، فرح یا اشرف برای او پولی نفرستادند، و او هم در مراسم شرکت نکرد.»

غلامرضا که اینک (۱۳۸۱ ش) در انگلستان به سر می‌برد، دو بار ازدواج کرده است. نخست در ۱۳۲۶ ش با هما اعلم و بار دوم در ۱۳۴۰ ش با منیژه جهانبانی. حاصل این دو ازدواج، سه دختر و دو پسر است.

منبع: دایرةالمعارف انقلاب اسلامی، سوره مهر، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۱۵

